

آماده شوید

## شناخت خدا از طریق "پدر"

اساسی ترین حقیقتی که برای هر انسان واجب و ضروری است، همانا شناخت و رسیدن به خدا می‌باشد. ما هر چقدر از دیدگاه انسانی غنی و ثروتمند باشیم ولی اگر خدا را در زندگی خویش نداشته باشیم، باز فقیر و بیچاره خواهیم بود. بنابراین بهتر است از خود بپرسیم، "آیا حضور خدا، محبت، هدایت و همراهی او در زندگی ما محسوس می‌باشند، یا صرفاً مقداری اطلاعات درباره او داریم؟ ما شاید درباره کسی اطلاعات زیادی به دست بیاوریم، ولی تا وقتی که ملاقات شخصی با او نداشته باشیم و با او وقت نگذرانیم، نمی‌توانیم او را بشناسیم. در مورد خدا نیز همینطور است. خدا می‌خواهد ما دوستان ابدی او باشیم، و برای همین منظور بود که او "انسان را شبیه خود آفرید" (سفر پیدایش ۱: ۲۷). (شباهت روحانی) بنابراین تنها شنیدن درباره خدا، برای داشتن این رابطه ابدی کافی نیست. آنچه ما را از داشتن این رابطه محروم می‌سازد، گناه است که بهر حال در زندگی همه ما وجود دارد.

می‌دانیم که خدا عادل مطلق است و "مجرم را هرگز بی‌سزا نخواهد گذاشت" (سفر اعداد ۱۴: ۱۸). از طرف دیگر، کلام خدا این خبر خوش را به ما می‌دهد که سزای گناه را عیسی مسیح بجای هر کس که به او ایمان آورد و او را نجات دهنده و مولای خود بداند، پرداخته است. در نتیجه، هر کسی که مشتاق رسیدن به خدا باشد، پشت دیوار گناه خود نخواهد ماند. عیسی مسیح در این باره می‌فرماید: "زیرا خدا جهانیان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان بیاورد هلاک نگردد بلکه صاحب حیات جاودان شود" (یوحنا ۳: ۱۶). بلی، تنها

ایمان آوردن به این حقیقت است که می‌تواند مسیر زندگی ما را از موت به حیات، و از نتایج مرگبار گناه به برکات زندگی جاوید، منتقل نماید.

در کلام خدا می‌خوانیم "خدا محبت است" (اول یوحنا ۴: ۸). او ما را به شباهت روحانی خود آفرید تا با او مشارکت روحانی داشته باشیم. ولی شیطان همگی ما را به گناه آلوده ساخت و در نتیجه، این مشارکت با خدائی که پاک و از هر گناه مبرا می‌باشد قطع شد، و همگی محکوم به مرگ روحانی شدیم. زیرا طبق کلام خدا "مزدی که گناه می‌دهد موت است" (رومیان ۶: ۲۳).

در این رابطه، کارهای نیک و حتی انجام فرایض دینی نیز نمی‌توانند کمکی به حال ما بنمایند. چون برای گناهایی که مرتکب شده‌ایم باید مجازات شویم و این مجازات همان موت یا هلاکت می‌باشد، یعنی (جدائی ابدی از خدائی که منبع شادی و آرامش زندگی است). اما خدا در محبت خود، نخواست ما تا به ابد از او جدا بمانیم. به این جهت، عیسی مسیح را به این دنیا فرستاد تا توان گناهان ما را بپردازد و جانش را بجای ما فدا کند. تنها به این وسیله است که عدالت و محبت خدا در حق ما انسانها به حدّ نهایت در صلیب مسیح نمایان می‌شود. حال که این خبر خوش (انجیل) را شنیدیم، طبق کلام خدا: "اگر ما نجاتی به این عظمت را نادیده بگیریم چگونه می‌توانیم از کیفر آن بگریزیم؟" (عبرانیان ۲: ۳).

بنابراین، بهتر است هم اکنون که فرصت داریم، با هدایت روح خدا، و با پشیمانی و توبه از گناه خود، این هدیه نجات را دریافت کنیم، و بیاد آوریم که در این صورت، عیسی مسیح وعده داده است که با بازوان باز و دستهای سوراخ شده‌اش از ما استقبال خواهد کرد! حال، اگر در اثر رحم خدا این فیض نجات نصیب ما گشته است، طبق کلام خدا، باید بکوشیم با طرز زندگی خود عملاً به دیگران نشان دهیم که نجات یافته‌ایم. در کلام خدا می‌خوانیم: "نجات خود را به ترس و لرز (احترام عمیق) به عمل آورید" (فیلیپیان ۲: ۱۲).